



تحول ملت ترک سرعت یافت و بررسی هویت فرهنگی در افکار عمومی مطرح شد... روند غرب‌گرایی در دولت‌هایی که از نوامبر ۲۰۰۲ تاکنون توسط حزب عدالت و توسعه تشکیل شد، ادامه پیدا کرده و سردمداران این حزب کوشیدند با جلب دوچندان سرمایه‌گذاری خارجی و پیروی از الگوهای غربی به بهترین شکل ترکیه را به سمت توسعه همه‌جانبه سوق دهند اما پرسش این است که چنین حرکتی در آینده چه پیامدهایی خواهد داشت و بازتاب آن در زمینه هویت جمعی این کشور چه خواهد بود؟ پروفیسور ایکلمن در این مورد تصریح می‌کند که نخبگان سیاسی و فرهنگی ترکیه، این کشور را به حق هم غربی و هم کشور اسلامی می‌دانند. ولی این گونه تفکر حداقل به اندازه اسلام تک شکلی خطرناک است...

مسئله اساسی این‌جاست که سردمداران ترکیه چه خواهد و چه نخواهد هویت و پیشینه اسلامی یکی از اجزای اصلی و ارکان مهم فرهنگ و تمدن آن‌ها خواهد بود. حال اگر قصد داشته باشند که بیش از پیش با پیروی از الگوهای توسعه غربی به ارتقاء سطح کشور در همه حوزه‌ها بپردازند، این مسئله طبیعتاً به شکافی تبدیل خواهد شد که هم‌اکنون نیز رگه‌های مهمی از آن در هویت و عقبه تاریخی مردم این کشور دیده می‌شود. پیامد دیگر اتکاء بیش از حد کشوری متمدن و مسلمان به ارزش‌های غربی علاوه بر معضله مذکور، وابستگی فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و از دست دادن استقلال شخصیتی است که بزرگترین بحران‌ها را در یک جامعه به دنبال خواهد داشت: بدون شک قدرت‌های غربی تا زمانی که ترکیه با منافع و فلسفه اساسی‌شان مخالفت نکند، نقش این کشور را در منطقه می‌پذیرند و به توسعه آن کمک می‌کنند. اما اگر ترکیه بتواند اثبات کند که قادر است میراث عثمانی و اسلام را در یک‌جا جمع کند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را به صورت یک پایگاه مورد استفاده قرار بدهد. ترکیه دولتی نیرومند است که کمتر از ظرفیتش حرکت می‌کند و اگر بتواند از امکانات و قدرت فکری و فرهنگی خود به درستی استفاده کند، می‌تواند از دیگر قدرت‌ها احترام ببیند. مسأله‌ای که باید روی آن بیشتر دقت شود همین است: «آن که هم‌طراز صحبت کند، عزت و احترام می‌یابد. اما دولتی که به ارزش‌های خود متکی نباشد، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. شما را روزی به اوج آسمان‌ها می‌برند و وقتی کارشان تمام شد رهاپتان می‌کنند و به راهشان ادامه می‌دهند...» این بخشی از مصاحبه پروفیسور کمال کارپات استاد دانشگاه ویسکونسین است که در سال ۲۰۰۳ خطاب به هیأت حاکمه جدید جمهوری ترکیه صورت گرفته است. گذر زمان مشخص می‌کند که این آسیب‌شناسی در کجا و چگونه به واقعیت خواهد پیوست.

توسعه رقم خورد تا سال ۲۰۱۱ میلادی که عدالت و توسعه‌ای‌ها توانستند مجدداً در انتخابات پیروز شوند شاهد شکوفایی و توسعه بیشتر اقتصادی هستیم. اصلاحات اقتصادی این گروه و بهبود شرایط همان‌طور که اشاره کردیم، موجب آن شد که حتی برخی احزاب لاییک نیز از باب ساماندهی هرچه بیشتر به این حوزه در کشور ترکیه از عدالت و توسعه‌ای‌ها پشتیبانی کنند. این روند از ۲۰۰۷ به این سو نیز ادامه یافت؛ تا جایی که رشد اقتصادی این کشور در سال ۲۰۱۰ به حدود ۹ درصد نزدیک شد. این اتفاق در حالی رخ می‌داد که در سه ماه نخست سال ۲۰۱۰ میلادی رشد اقتصادی این کشور قریب به ۱۱/۷ درصد بود و پس از سوند بیشترین رشد اقتصادی اروپا به حساب می‌آمد. ضمن این‌که نرخ تورم در ترکیه پس از ۴۱ سال (از ۱۹۷۰ به این طرف) در ماه‌های میانی سال ۲۰۱۱ میلادی کمتر از ۴ درصد پیش‌روی کرد. متوسط درآمد سرانه ترکیه در ابتدای سال ۲۰۱۱ به ۱۰ هزار و ۷۹ دلار رسید.

### هویت غرب‌گرایانه و مدل توسعه ترکیه

علی‌رغم این‌که با وجود پیشینه دراز پای اسلام در کشور ترکیه یکی از عناصر اصلی شکل‌دهنده به هویت و شخصیت این ملت، آموزه‌های اسلامی می‌باشد، ولی نباید این مقوله را هم در نظر داشت که به اذعان بسیاری از محققان و صاحب‌نظران مسائل ترکیه، نوعی گرایش و تمایل به غرب حتی پیش از تشکیل امپراتوری عثمانی تا به امروز در درون مردم ترکیه وجود داشته و منشأ اتفاقات مهمی نیز بوده است. پروفیسور دیل اف. ایکلمن استاد مردم‌شناسی و روابط انسانی دانشگاه دارتموث آمریکا در مقاله‌ای پیرامون این مسئله تأکید می‌کند: «ترکیه از همان آغاز تأسیس امپراتوری عثمانی خود را متوجه غرب کرد. حکومت عثمانی که حدود شش قرن در سه قاره جهان (اروپا، آفریقا و آسیا) تفکرات و عقاید متفاوتی را در کنار هم آورده بود، به آن‌ها امکان داد که بیشتر از اروپائیان، تفرخات خود را حفظ کنند. هم‌زمان با افزایش حاکمیت غرب، عثمانیان (ترکان) نیز به آرزوی تشابه با اروپا سرعت دادند. اصلاح‌طلبان عثمانی از قرن نوزدهم به بعد آگاهانه کوشیدند که هم غربی و هم مسلمان بمانند. انقلاب کمالیسم در دهه ۱۹۲۰ که سبب شده بود روند همانندی ترکیه با غرب سرعت یابد، رسماً نقطه پایانی بر امپراتوری عثمانی گذاشت. این روند نه تنها به‌وسیله رهبران سیاسی ترکیه که با اقدامات مردم عادی ترکیه تحقق یافت. ارتقاء سریع سطح آموزشی در نیمه دوم قرن بیستم، مهاجرت نیروی کار و امکانات فزاینده در زمینه ارتباطات، بر گردش اندیشه‌ها و مردم افزود؛ در نتیجه